

## معلم قراردادی و حداقل حقوق

### (حراج نیروی کار برای آینده)

هر سال بحث‌هایی طولانی پیرامون تعیین حداقل حقوق شکل می‌گیرد. اعداد و ارقام با عنوان‌های مختلف در هم ضرب و تقسیم می‌شود و شاخص‌های گوناگون با ضرایب مختلفی تغییر می‌کنند؛ و مثل همیشه بازنده‌ی این سیرک مسخره‌کارگران هستند. البته سرمایه‌داری حتی بدون این نمایش هم همواره حداقل حقوق ممکن را برای کارگران در نظر می‌گیرد. آن‌قدر که نمیرد و به کار ادامه دهد. می‌خواهم در مورد بخشی از کارگران بگویم که حداقل حقوقشان به شکلی دیگر تعیین می‌شود؛ یعنی در بازار آزاد. جایی که معنای آزادی در سرمایه‌داری بهتر درک می‌شود.

آری، برای بخشی از کارگران نرخ حداقل حقوقشان در انتهای قرارداد کاری در چانه‌زنی نابرابری در برابر کارفرما یا یکی از واسطه‌هایش تعیین شود. کار در مدارس غیرانتفاعی به این شکل است. قراردادهای عمدتاً خردادماه سال تحصیلی قبل نوشته می‌شوند هر چند که شروع قرارداد هم‌زمان با شروع دوباره‌ی مدارس و از مهرماه است و خیلی هم طول بکشد باید تا پیش از مهر قرارداد داشته باشی. در غیر این صورت، فرصت شغلی و از آن طرف قدرت چانه‌زنی مدام کمتر و کمتر خواهد شد.

معمولاً چانه‌زنی‌ها چند شکل به خود می‌گیرد. اگر رئیس مدرسه با مدیر یکی باشد، مستقیماً در مقابل کارفرما نشسته‌ای. اما اگر مدیر یکی از شرکا باشد، یا برای نوشتن قرارداد با یکی از معاونان، یا مسئول حسابداری صحبت کنید اوضاع پیچیده‌تر هم می‌شود. بسیاری اوقات اصلاً نمی‌گذارند صحبت در مورد مبلغ قرارداد تیر اصلی فروش نیروی کار باشد، بلکه بحث‌ها را به هر شکلی به سمت کیفیت کار مورد انتظار و توقعات دیگر می‌کشانند.

در این چانه‌زنی تمام کارگران آموزشی شاغل در آن مدرسه، بدون حمایت‌های هیچ اتحادیه، سندیکا یا تشکلی، شکل مقاومتی شکننده از خود نشان می‌دهند. آن هم در این اشباع بازار نیروی کار که به هیچ وجه توان رقابت با ارتش بسیار ذخیره‌ی کار را نداری.

اما تمام این‌ها به کنار، آن چه در این چند سال به خصوص، با توجه به تورم افسارگسیخته یا همان ارزان‌سازی روزافزون نیروی کار در ایران رخ می‌دهد به این شکل است که این چانه‌زنی‌های فردی و نابرابر در نهایت می‌توانند کمی از عقب‌افتادگی ارزش نیروی کار را در مقابل تورمی که طی یک سال گذشته از سر گذراندیم - به صورت جزئی - پوشش دهند؛ اما وقتی گمان می‌کنی که قراردادی که بسته می‌شود برای یک سال آینده است، باید گفت عمق فاجعه تازه خود را نشان می‌دهد. اگر آن چه

امروز درباره‌اش بحث می‌کنیم حتی به عنوان حداقل حقوق کفاف زندگی خانواده‌ی کارگری را نمی‌دهد، این مبلغ برای شش ماه تا یک سال آینده معنایی جز حراج جان و هستی کارگران چه خواهد داشت؟! حراج نیروی کار برای یک سال بردگی؛ حراج خونِ رگ‌های ورم کرده‌ای که از درد به خود می‌پیچند.

شنیده‌ام، بسیاری از مالکان بزرگ، قراردادهای اجاره‌ی خود را بر مبنای دلار تعیین می‌کنند. مشخص است چرا؛ چون می‌خواهند با نوسانات بازار پیش روند. آن‌ها نمی‌خواهند حتی لحظه‌ای در هم‌دستی‌شان در استعمار طبقه‌ی کارگر از نرخ بازار عقب بیافتند. آن‌ها قدرت این را دارند، آن‌ها برای انحصارشان بر زمین توسط دولت سرمایه‌حمایت می‌شوند. تمام نظام حقوقی و قضایی ایران و جهان سرمایه‌هم از آن حمایت می‌کند. مشخص است که آن‌ها می‌توانند با تمام قوا از این زیست‌انگوار و زالوصفتانه‌ی خود دفاع کنند.

آری، عادت کرده‌ایم به این که نام کانونِ صنفی معلمان و شورای تشکل‌های صنفی معلمان را تنها در بی‌بی‌سی و اینترنت‌نشال و پای هرزه‌گویی‌های حقوق بشری بشنویم. به خصوص برای معلمان غیرانتفاعی‌ها که هیچ‌گاه آبی توسط این نهادهای به اصطلاح معلمی برایشان گرم نشده است. کارگران آموزشی باید تشکل‌یابی کنند. در سطح مدارس گام‌های لازم برای این کار باید برداشته شود. دیدارها و رفت و آمد بیرون از مدرسه برای این کار لازم است. هماهنگی و اتحاد با دیگر همکاران توان چانه‌زنی را ارتقا خواهد داد.

در بین معلمانی که در مدارس غیرانتفاعی کار می‌کنند، غیر از معلمانی که تفننی این کار را انتخاب کرده‌اند و درآمد خوب دیگری دارند، یا معلمانی که برای کارورزی می‌آیند و به شدت مورد استعمار قرار می‌گیرند، برخی نیز معلمان بازنشسته یا شاغل در مدارس دولتی‌اند که به دلیل کسب درآمد از آن‌جا، معمولاً به پایین‌ترین قیمت‌ها نیروی کار خود را می‌فروشند. در کنار همه‌ی این‌ها بخشی نیز معلمانی هستند که تنها درآمدشان همین کار در مدارس غیرانتفاعی است و این چانه‌زنی بیشترین اهمیت را برایشان دارد. این آخری‌ها اولویت اتحاد هستند. باید بیرون از مدرسه هم‌دیگر را ببینند و درباره‌ی وضعیتشان صحبت کنند، و تصمیم بگیرند که در چانه‌زنی از یک‌دیگر حمایت کنند. همین‌طور باید سعی کنند دیگر معلمان را نیز با خود همراه کنند.

دوستان! این دیدارها می‌تواند با مطالعه و ارتقای سواد کارگران تبدیل به تشکل‌های کوچکی شده و زمینه‌های رشد آگاهی طبقاتی ما را فراهم سازد.